

وظایف پلیس شهروند مدار در رعایت حقوق شهروندی متهمان

(در مرحله تحقیقات مقدماتی)

رضا بیرانوند^۱

دکتر جعفر کوشا^۲

حمید هاشمی^۳

بهرام رنجبر^۴

چکیده:

پلیس در جایگاه ضابط دادگستری به سبب تعامل مستمر و مستقیم با شهروندان، نقشی اساسی در چرخه عدالت کیفری دارد. حفظ امنیت و رعایت حقوق شهروندان پس از رفع مایحتاج اولیه انسانی در درجه نخست اهمیت قرار دارد. حقوق شهروندی متهم از جمله اموری است که کوچکترین مسامحه نسبت به آن در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی موجبات تضییع آزادی های اساسی و در مواردی زمینه نقض حقوق او را فراهم می‌سازد. شهروندان از پلیس انتظار دارند در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، تلاش خود را تنها منحصر به جمع آوری دلایل علیه او نکنند و بکوشد در کمال بی طرفی در جهت اثبات حقیقت دلایل له و علیه متهم را جمع آوری نمایند. این موضوع برای اثبات حقیقت جز در پرتو حفظ و رعایت حقوق شهروندی متهم توسط پلیس شهروند مدار میسر نخواهد شد.

هدف از این پژوهش تبیین نقش و جایگاه پلیس شهروندمدار در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی بر حفظ و رعایت حقوق شهروندی متهم است.

این پژوهش به روش اسنادی و کتابخانه‌ای از منابع موجود جمع آوری شده تا ضمن بررسی برخی از قوانین شکلی و ماهوی حوزه حقوق شهروندی متهمان در ارتباط با وظایف پلیس، لایحه جدید آیین دادرسی کیفری را بررسی کند. اگرچه این لایحه هنوز در کمیسیون تخصصی مجلس در حال بررسی است و جایگاه استنادی ندارد اما ضرورت حفظ و رعایت حقوق شهروندی متهمان در وظایف پلیس اقتضاء می‌نماید که علاوه بر قانون لایحه و طرح های مرتبط با مأموریت او در این حوزه با هدف رفع ابهامات و تبیین زوایای آن مورد بررسی قرار گیرد و علم شهروندان به حقوق خود در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و ضمانت اجرای آن در این مرحله می‌تواند به نوعی متضمن حقوق شهروندی آنها باشد. نتایج حاکی از آن است که حقوق شهروندی متهم در قوانین اساسی و عادی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است، لیکن در برخی از موارد وظایف پلیس در مرحله تحقیقات مقدماتی تبیین نشده است که البته در لایحه جدید با ذکر مواردی از قبیل اعلام حقوق شهروندی متهم توسط پلیس و مراجع ذی‌ربط، وظایف آنان به‌طور شفاف‌تری مشخص شده است. در این راستا پیشنهادهایی از قبیل ایجاد فرهنگ ترویج حقوق شهروندی، تعامل هر چه بیشتر پلیس و دستگاه قضایی، توسعه نظارت‌های منظم بر عملکرد پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهم و ارتقای دانش پلیسی در این زمینه ارائه شده است.

واژگان کلیدی

حقوق شهروندی / متهم / پلیس / قانون شهروند.

1- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

3- استادیار دانشگاه شهید بهشتی

2- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

4- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

مقدمه

پلیس به عنوان ضابط عام دادگستری به جهت تعامل مستمر با شهروندان در برخورد با اخلال گران نظم و امنیت در جامعه نیازمند اختیارات خاصی است که گاهی همین اختیارات در برقراری نظم و امنیت به نقض حقوق شهروندی منجر می‌شود از این رو علی‌رغم اعطای اختیارات محدود و صریح در پرتو قوانین، لازم است که پلیس ضمن آشنایی با حقوق شهروندی در مأموریت‌های محوله در رعایت آن اهتمام لازم را داشته باشد. زیرا عدم شناخت ضابطان دادگستری و یا بی‌توجهی آنان نسبت به حقوق شهروندی متهمان نتایج ذیل را می‌تواند به همراه داشته باشد:

الف) بدبینی شهروندان نسبت به سازمان پلیس و عدم اعتماد آنها که این خود باعث می‌شود مردم در زمان وقوع جرایم به پلیس مراجعه نکنند دامنه جرایم در جامعه گسترش می‌یابد و نظم و امنیت عمومی با تهدید جدی مواجه خواهد شد.

ب) اگر پلیس از وظایف خود نسبت به متهم در پرتو حقوق شهروندی ناآگاه باشد این ناآگاهی با اهداف کلی عدالت، در تناقض است و سبب گسترش و توسعه بی‌عدالتی در سطح جامعه می‌شود.

با توجه به اینکه حقوق شهروندی متهم در مراحل مختلف دادرسی کیفری یعنی قبل از صدور حکم، حین صدور حکم، و... قابل تصور است، لذا در این مقاله به مهم‌ترین حقوقی که متهم در مرحله قبل از صدور حکم (تحقیقات مقدماتی) در مقام ضابط بودن دارد، اشاره می‌کنیم و وظایف پلیس را، نسبت به رعایت آنها بررسی می‌نماییم. با در نظر گرفتن آنچه بیان شد در آغاز مفاهیم متهم، شهروند و حقوق شهروندی را تعریف می‌کنیم، سپس وظایف قانونی پلیس را در قبال متهم در پرتو حقوق شهروندی در مرحله تحقیقات مقدماتی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

سئوالات تحقیق:

سوال اصلی:

حدود و اختیارات پلیس در حمایت و تضمین حقوق شهروندی چیست؟

سئوالات فرعی:

الف- آیا قوانین راجع به حقوق شهروندی در رعایت حقوق شهروندان توسط پلیس موثر است؟

ب- آیا در قوانین داخلی وظایف و اختیارات پلیس، تبیین شده است؟

ج- آیا قوانین داخلی در رابطه با رعایت حقوق شهروندی توسط پلیس، جوابگو و کامل می‌باشند؟

فرضیات تحقیق:

1. متهمان به جهت اینکه گروهی از شهروندان هستند، لذا وضع و تبیین قوانین راجع به حقوق شهروندی و الزام آوردن آن در رعایت حقوق متهمان توسط پلیس بسیار مؤثر است.
2. حدود و اختیارات و تکالیف پلیس در فرایند دادرسی کیفری از لحظه کشف جرم مبنی بر رعایت حقوق شهروندی توسط متهمان تبیین شده است.
3. رویکرد مقنن در تعارض اختیارات پلیس و حقوق شهروندی در بسیاری از موارد به جهت حفظ حقوق شهروندی است.
4. وجود ضمانت اجرای مناسب بر بهبود عملکرد پلیس در راستای ارتقای حقوق شهروندی افراد مؤثر است.
5. پلیس در چهارچوب قوانین موضوعه ج.ا.ا. به عنوان مجری قانون در تعارض میان حقوق مهم و اهم، وظیفه حفظ و رعایت حقوق اهم را دارد.

1- مفهوم شناسی «حقوق شهروندی متهم»

الف - متهم:

«به رغم آنکه قانونگذار بارها درباره متهم سخن گفته ولی تعریفی از این اصطلاح به دست نداده است (اصل 171 ق.ا و...). برای رفع این نقیصه می توان گفت: کسی که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته است متهم نامیده می شود» (آخوندی، 1382:83). به نظر می رسد واژه «متهم» در بدو فرآیند دادرسی کیفری، تعرضی است آشکار به حقوق شهروندان، زیرا تا قبل از صدور کیفرخواست، «مظنون» و پس از آن عنوان «متهم» نسبت به شخص تحت بررسی داده می شود و بار حقوقی منفی این واژه (متهم) می تواند برچسبی منفی بر شخصیت وی داشته باشد. از همین روی در برخی از کشورها از جمله فرانسه واژه «شخص تحت بررسی» استفاده می گردد.¹

به هر تقدیر متهم کسی است که اتهامی به وی نسبت داده شده است و در صورت اثبات آن در نزد مرجع قضایی، می بایست متحمل مجازات مقرر در قانون گردد.

ب - شهروند :

شهروند «Citizen» از واژه لاتینی «سیویتاس» (Civitas) مشتق است. این واژه در زبان لاتین تقریباً معادل کلمه «پولیس» (Polis) در زبان یونانی است. پولیس یا شهر، تنها مجتمعی از ساکنان نیست بلکه واحدهای سیاسی و مستقل به شمار می آید. شهروند کسی است که به آن واحد سیاسی تعلق دارد و شرایط لازم را برای مشارکت در اداره امور عمومی در محدوده شهر داراست» (پلبو، 1370:1).

«واژه شهروند مرکب از دو کلمه «شهر» جامعه انسانی فرهنگ مند، و «وند» به معنای عضو، وابسته و در اینجا جزء بیانگر خارج لازم شهر است که از این واژه مرکب، معنای انتزاعی مناسبی به دست می آید که به نوعی درخود، بار عقلانیتی را داراست و بدین گونه نمایان می شود:

1. از پذیرش آگاهانه و مدلل نسبت به عضویت در جمع حکایت می کند که بر مبنای توجیحات خودپسندی انجام گرفته باشد؛ بنابراین بر جهانگردی که در جامعه غیر خود باشد، صدق نمی کند. 2- قابلیت پذیرش در جمع و شمارش در ردیف دیگران را داشته باشد بنابراین بر ماشین، حیوان، گیاه و ... صدق نخواهد کرد. 3- از وجود رابطه متقابل میان فرد و دیگران در یک جامعه، حکایت می کند درست، مثل همان نسبت زبانی که میان «شهر» و «وند» موجب پیوند و رسانیدن معنا به شنونده خود می باشد، پیوندی معنوی میان شهروند و جامعه احساس می شود که بیشتر از نوع فرهنگ و مشترکات انسانی می تواند باشد؛ بنابراین مهاجر یا رانده شده ای که به صورت پناهنده در میان جامعه ای دیگر به سر می برد شهروند آن جامعه به شمار نمی آید (مگر آن که مدت زیادی بگذرد تا آن پیوند به وجود آید) 4- از وجود تعهدهای دو جانبه میان فرد و جامعه خبر می دهد» (پژوهنده، 1376: 162-163) بنابراین شهروند کسی است که اهل یک شهر یا کشور بوده، از حقوق موجود آن برخوردار باشد، از قوانین و مقررات حاکمه پیروی می کند و آنها را می پذیرد و بر اساس رابطه خاص او بین دولت، این تبعیت حفظ و تقویت می شود.

ج - حقوق شهروندی:

حقوق شهروندی آن دسته از امتیازات و قواعد عام اجتماعی است که در چارچوب قانون اساسی به شهروندان داده می‌شود و انتفاع از آن نیز به میزانی است که تعرضی به حقوق سایر شهروندان و نظم عمومی نداشته باشد. به عنوان مثال حق آزادی و رفاه شهروندان تا حدی است که باعث تعدی به نظم عمومی و حقوق شهروندان نباشد.

«مفهوم شهروندی به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی (معمول یا مدرن) تلقی می‌شود که به موجب آن شرایط برخورداری فرد را از حقوق و قدرت فراهم می‌کند این حقوق عبارت است از:

حقوق مدنی، شامل آزادی بیان و برابری در مقابل قانون؛

حقوق سیاسی، شامل حق رای دادن و ایجاد تشکل سیاسی و صنفی؛

حقوق اقتصادی، در بر گیرنده رفاه اقتصادی (به وسیله تولید، بازرگانی، کشاورزی و مصرف) و تامین اجتماعی است که برای نخستین بار در سال 1949م، به وسیله «ت.ه. مارشال» (1873-1982م) در لندن، طی رساله‌ای با عنوان «شهروندی و طبقه اجتماعی» تبیین گردیده است» (همان منبع: 172).

کارکرد مفهوم حقوق شهروندی، همانا بسط و گسترش قواعد و مقرراتی است که کلیه فعالیت‌ها، کنش‌ها، تمایلات و نیازهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افراد را ساماندهی می‌کند و مانع از اعمال ستم و اجحاف به شهروندان می‌گردد.

بنابراین حقوق شهروندی، حقوقی است فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که یک شهروند، به واسطه زندگی در یک قلمرو جغرافیایی خاص و با وجود رابطه‌ای میان او و دولت حاکمه، از آن برخوردار می‌شود.

2-وظایف قانونی پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهم در مرحله تحقیقات

مقدماتی:

پلیس به عنوان بازوی اجرایی قوه قضاییه به سبب ارتباط و تعاملی که با شهروندان دارد همواره در اجرای وظیفه ذاتی خود می بایست ضمن آگاهی از قوانین موضوعه در تحصیل دلایل علیه متهم در جمع آوری دلایل «له» او نیز تلاش و دقت لازم را داشته باشد.

برابر ماده 7-111، لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، «در تمام مراحل دادرسی کیفری، اعم از کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و اجرای آراء، رعایت حقوق شهروندی مقرر در قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» و سایر قوانین از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است، متخلفان علاوه بر جبران خسارت وارد شده به مجازات مقرر در ماده 570 قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد».

به علاوه ماده 25-121 لایحه مذکور مقرر می دارد «هرگاه متهم در مرجع انتظامی تحت نظر قرار گرفت ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند».

علی‌رغم به‌کارگیری واژه «متهم» قبل از صدور کیفرخواست در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مجدداً در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری مشاهده می‌شود که این مشکل مرتفع نگردیده است و بهتر بود به‌منظور رعایت حقوق شهروندی متهمان و به مراتب کاهش بار منفی حقوقی آن در مرحله بازپرسی از واژه «مظنون» استفاده می‌گردید.

در ذیل به اهمیت و نقش پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهمان در تحقیقات مقدماتی پرداخته شده است:

الف- حق ممنوعیت دستگیری بدون مجوز قانونی:

«مراجع قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران از ضوابط و قواعد شریعت اسلام پیروی و احترام به اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها را در قانون اساسی و قوانین عادی اساس سیاست کیفری خود قرار داده اند» (گلدوزیان، 1385: 74).

برابر اصل سی و دوم قانون اساسی «هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند...» و برابر اصل سی و هفتم این قانون «اصل، براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

تمامی اقدامات نیروی انتظامی در مقام ضابط دادگستری، می‌بایست در قالب قانون و با اجازه قانون باشد. اصولاً، پلیس نمی‌تواند بدون حکم و اجازه قانون، شهروندی را دستگیر و آزادی او را سلب نماید. پلیس، باید با استناد به اصل براءت و قانونی بودن تعقیب، همه شهروندان را بری از هر گونه اتهام فرض می‌نماید، مگر این که، ضمن اجازه قانونی، دلایل لازم را برای متهم بودن شهروندان، در اختیار داشته باشد. مقوله رعایت حقوق شهروندان از سوی پلیس، درخصوص ممنوعیت دستگیری افراد بدون مجوز قانونی، تا آنجا اهمیت دارد که بند یکم از ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب 1383)، این موضوع را مورد تاکید قرار داده است. برابر این بند «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌بایست مبتنی بر رعایت قوانین و ...».

ضابطان دادگستری معمولاً اولین کسانی هستند که با پدیده مجرمانه روبرو می‌شوند و لازم است که در صحنه‌ی جرم از تخصص و تجربه کافی در امر جرم‌یابی بهره‌مند گردند و گرنه گره‌کوری بر سر راه کشف جرم و تعقیب آن به‌وجود خواهد آمد. از بررسی متن قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب 1383) استنباط می‌گردد که: اولاً پلیس در فرآیند دادرسی کیفری در زمینه بازداشت بدون مجوز قانونی به‌منظور حفظ و رعایت حقوق شهروندی نقش مهمی را ایفاء می‌نماید و از طرفی اگرچه مقنن در این ماده بحثی از «منع دستگیری» به میان نیاورده ولی از عبارت «رعایت قوانین» معلوم می‌گردد که از مواردی که پلیس در راستای حفظ حقوق شهروندی می‌بایستی ملحوظ دارد همین «منع دستگیری و بازداشت» بدون حکم و مجوز قانون است.

رعایت منع دستگیری بدون مجوز قانونی، در اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. ماده 9 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب 16 دسامبر 1966 مجمع عمومی سازمان ملل متحد)، بیان می‌دارد: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خود سرانه دستگیر یا بازداشت کرد، از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد، مگر به جهات و طبق آئین دادرسی مقرر در قانون».

ب- حق تفهیم اتهام به متهم:

از دیگر حقوق متهم در فرآیند دادرسی کیفری، این است که اتهام یا اتهامات انتسابی به او، از سوی پلیس به وی تفهیم گردد. تفهیم اتهام یعنی اینکه متهم قبل از شروع تحقیقات مقدماتی به‌صورت مکتوب (با تاسی از اصل 32 قانون اساسی) از ماهیت اتهام خود مطلع گردد تا بدین‌وسیله بتواند وسایل دفاع مناسب را تهیه نماید اهمیت

تفهیم اتهام به حدی است که مورد توجه اعلامیه‌های حقوق بشر و قوانین اساسی و عادی اکثر کشورها قرار گرفته است. مقنن در مواد 24 و 129 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری به ضمانت اجرای این اصل پرداخته است ضمن اینکه به موجب بند 5 ماده 9 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده یک قانون مسئولیت مدنی و همچنین اصل 171 قانون اساسی، هر متهمی که به طور غیر قانونی دستگیر یا بازداشت شده باشد، حق دارد جبران خسارت خود را از مراجع ذی ربط بخواهد.

«لازمه حمایت از حق دفاع متهم در دفع یا رد اتهام روا یا ناروایی که به او نسبت داده اند و نیز رعایت اصل برائت در این فرایند دادرسی، آگاهی او از موضوع اتهام و دلایل آن است زیرا جهل نسبت به موضوع و دلایل اتهام، موجب خدشه به حقوق و آزادی های فردی و به ویژه دفاع و نقض اصل برائت است». (موذن زادگان، 385 : 21) برای تبیین مطلب، لازم است تفهیم اتهام را، تعریف نمایم. «منظور از تفهیم اتهام این است که متهم از موضوع جرم و یا جرائم انتسابی به خود و کلیه دلایل و مستندات آن آگاه شود تا بتواند آگاهانه از خود دفاع کند نمی توان از انسانی انتظار داشت تا در برابر جرم ناشناخته و دلایل غیرمعلوم پاسخگو باشد و بی مقدمه از خود دفاع نماید». (آخوندی، 1382 : 118)

«تفهیم اتهام از آن جهت ضروری است که از یکسو امکان رد اتهام یا اتهامات منتسب را برای متهم فراهم می سازد و تضمینات ناظر به حقوق دفاعی جنبه عملی به خود گرفته و آغاز می شود و از سوی دیگر قاضی تحقیق را مجاز می کند که به اقدامات ضروری و از جمله صدور قرارهای تأمینی متوسل شود. بدین ترتیب می توان گفت تفهیم اتهام عبارت است از اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به

متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد». (آشوری ، 1383: 86-87)

ماده 24 ق.آ.د.ع.ا.ک، مقرر می دارد: «...چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود...».

با عنایت به موارد فوق، اولین اقدامی که پلیس پس از دستگیری متهمان (در جرائم مشهود) و یا بنا به دستور مقام قضائی (در جرائم غیر مشهود)، انجام می دهد، تفهیم اتهام است. رعایت حقوق شهروندی متهم ، ایجاب می کند ضمن ابلاغ اتهام ، انتسابی از سوی پلیس، این اتهام به روشی که برای متهمان گوناگون (از لحاظ سن، سواد و...) مقدور باشد، تفهیم گردد. «تفهیم اتهام توسط پلیس باید در دو مرحله انجام شود:

1. تفهیم اتهام در مرحله تحقیقات مقدماتی: در حقوق ایران درمورد اقدامات پلیس درمورد تفهیم اتهام در این مرحله به وضوح پیش بینی نشده است به موجب قانون آئین دادرسی کیفری (مصوب 1280 ه.ش) کمیسرهای پلیس باید موارد فصل پنجم باب اول آئین دادرسی کیفری را که یکی از موارد آن تفهیم اتهام به متهم است را رعایت نمایند.
2. تفهیم اتهام در مرحله دستگیری: تفهیم اتهام به متهم علاوه بر تحقیقات مقدماتی الزاماً در مرحله دستگیری توسط پلیس نیز باید رعایت شود» (مشهدی حسن، 1382 : 49).

برای آشنایی بیشتر با مفهوم و نحوه تفهیم اتهام، به صورت تطبیقی، به نحوه تفهیم اتهام از سوی پلیس در قانون کشور انگلستان اشاره می کنیم.

«در خصوص تفهیم اتهام از سوی پلیس، قانون پلیس و ادله کیفری مصوب 1984 انگلستان انجام هرگونه دستگیری را منوط به این امر دانسته که به فرد مورد نظر اعلام شود که در بازداشت پلیس قرار دارد، همچنین باید دلایل بازداشت به وی گوشزد شود ماده 28 قانون مزبور مقرر می‌دارد «هیچ دستگیری قانونی نیست مگر این که هنگام دستگیری یا در سریع‌ترین زمان ممکن دلایل دستگیری به متهم اطلاع داده شود» البته لازم نیست دلایل ارائه شده کاملاً مستدل و ثابت شده باشد چون صحت یا عدم صحت دلایل ارائه شده تنها در دادگاه قابل اثبات می‌باشد هدف قانونگذار از تعیین این تکلیف برای پلیس آن است که فرد دستگیر شده فرصت یابد مطالبی را که ممکن است باعث منقضی شدن دستگیری اش شود باز گوید تا از وقوع یک دستگیری غیر قانونی یا از روی اشتباه پیشگیری شود» (سلیمانی، 374 : 76).

پ- منع بازداشت متهم بیش از 24 ساعت در جرایم مشهود:

برابر اصل سی و دوم قانون اساسی «... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد...».

ماده 24 قانون ایین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378) مقرر می‌دارد: «... چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر تا مدت 24 ساعت می‌تواند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به

اطلاع مقام قضایی برسانند مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین تکلیف می‌نماید....». در این خصوص، ماده 19-121 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، با تغییراتی نسبت به ماده 24 قانون مذکور، مقرر می‌دارد: «ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به اطلاع دادستان برسانند چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان، تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرائم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد».

علاوه بر آن، بند (1) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مقرر می‌دارد: «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و یا حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلبات شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود».

شاید این طور به ذهن آید که منظور قانونگذار از عبارت «بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت» در بند(1) یاد شده این باشد که پلیس از حدود اختیارات قانونی خود تعرض کرده و متهم را بیش از حدود قانونی بازداشت نموده است ولی حقیقت این است که تفاوت ظریفی بین این دو مفهوم وجود دارد:

منظور از بازداشت غیر قانونی این است که پلیس، مجوز قانونی برای بازداشت را ندارد و بازداشت متهم برخلاف قانون صورت پذیرفته است در صورتی که منظور قانونگذار از بازداشت اضافی و بدون ضرورت آن است که ظواهر قانونی رعایت

شده و پلیس بر اساس قانون متهم را بازداشت نموده است اما عملاً نیازی به بازداشت متهم و یا ادامه آن نبوده است.

علاوه بر آن، بند (5) ماده واحده قانون مذکور اشعار می‌دارد: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال می‌شود...».

حقوق کشور انگلستان در خصوص «بازداشت متهم» اشعار می‌دارد:

«براساس ماده 41 قانون پلیس و ادله کیفری انگلستان حداکثر زمانی که می‌توان یک فرد را بدون تفهیم اتهام در کلانتری نگه داشت 24 ساعت می‌باشد البته استثنائاتی بر این قاعده کلی وارد شده است. در ماده 42 و در تبصره ذیل ماده 43 و ماده 44 به دادگاه صلح (بخش) اختیار داده شده که در صورت اقتضاء و در بعضی شرایط، مدت بازداشت را افزایش دهند. به جز در موارد استثنایی، در سایر موارد اگر فردی پس از گذشت 24 ساعت بازداشت در کلانتری مورد تفهیم اتهام واقع نگردد باید با صدور قرار یا بدون آن آزاد شود چنین فردی نباید پس از آزادی مجدد بدون داشتن مجوز جدید، مجدداً در ارتباط با همان جرم قبلی بازداشت شود مگر این که پس از آزادی وی دلایل و مدارک مهم وجدیدی به دست پلیس رسیده باشد که دستگیری مجدد وی را مستدل و موجه نماید» (همان: 114-113).

ت-حق سکوت متهم:

متهم می‌تواند در مقابل سوالات بازجو (قاضی، پلیس)، سکوت نموده و از پاسخ امتناع نماید.

«اعلام حق سکوت به عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم، امروزه در بسیاری از قوانین آئین دادرسی کیفری کشورهای مرفعی جهان به عنوان تکلیفی نه فقط برای قاضی تحقیق بلکه برای پلیس و از همان آغاز تحت نظر گرفتن امر منظور شده است. در این کشورها در صورت انصراف متهم از این حق و اظهارصریح وی مبنی بر آمادگی به ادای هرگونه پاسخ و متعاقب بر درج این امر در صورتجلسه‌ی تحقیق و امضای آن از سوی متهم، هرگونه پرسش و پاسخی که در چهار چوب ضوابط قانونی به عمل آید مجاز است». (آشوری، 1383: 88)

«فقدان تکلیف پلیس یا قاضی تحقیق به اعلام حق سکوت در گذشته امری عادی تلقی می‌گردیده اما امروزه باید این تکلیف را از دستاوردهای حقوق بشری و قرائتی نوین از آثار اصل برائت در نیمه دوم قرن حاضر محسوب داشت». (آشوری، 1381: 5)

یکی از این کشورها، که برای حق سکوت متهم، اهمیت زیادی قائل است کشور انگلیس می‌باشد «در حقوق انگلیس پلیس قضایی مکلف است به محض دستگیری مظنون موارد ذیل را فوراً به او اعلام دارد: 1- باید به او تفهیم کند به اتهام چه جرمی دستگیر شده است 2- خاطر نشان سازد که متهم این حق را دارد که به سوالات پلیس پاسخ ندهد 3- به متهم اخطار کند که هر چیزی که می‌گوید ممکن است بعداً در دادگاه علیه وی مورد استفاده قرار گیرد» (عبداله پور، 1380: 60-59). در حقوق ایران اعلام حق سکوت متهم از طرف قاضی یا پلیس به عنوان تکلیف نیامده است. برابر قسمت اخیر ماده 129 ق.آ.د.ع.ا.ک چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید می‌شود. در خصوص اعلام حق سکوت متهم، ماده 29-125 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، مقرر می‌دارد:

«بازپرس پیش از شروع به تحقیق به متهم تفهیم می‌کند که می‌تواند سکوت اختیار کند. در صورت سکوت، مراتب در صورت مجلس قید می‌شود». اگر چه اعلام حق سکوت، توسط پلیس به متهم، به طور صریح، توسط قانونگذار ذکر نشده است، لیکن از آنجایی که، پلیس می‌تواند به عنوان بازجو از متهم تحقیق نماید بنابراین، اعلام این حق از سوی او به متهم می‌تواند گامی موثر بر حفظ حقوق شهروندی متهمان در تحقیقات مقدماتی باشد.

ث- حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی:

یکی دیگر از حقوق شهروندی متهم در فرآیند دادرسی کیفری حق داشتن وکیل است:

«حق داشتن وکیل در تحقیقات مقدماتی و لزوم حضور و فعالیت‌های قانونی وی در دفاع از موکل به ویژه در هنگام بازجویی تضمینی بسیار اساسی در جهت حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و جلوگیری از اخلال به حق دفاع است. حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی موجب برقراری توازن و تحقیق اصل تساوی سلاح‌ها در روند دادرسی کیفری است؛ زیرا حضور قضات مجرب تحقیق، شاکی خصوصی، وکیل یا وکلای او و ضابطان دادگستری در سازمان دادسرا که به انگیزه حمایت از حقوق جامعه و زیان‌دیده از جرم در امر جمع‌آوری دلایل به ضرر متهم اشتغال دارند مستلزم وجود حقوقدانانی فعال و برجسته در کنار متهم به منظور دفاع از حقوق قانونی وی است» (موذن زادگان، 1385: 21).

در حقوق ایران، به این حق توجه ویژه‌ای شده است، برابر اصل سی و پنجم ق.ا «در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر

توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد».

به علاوه ماده 128 ق. آ. د. ع. ا. ک با در نظر گرفتن حفظ حقوق شهروندی متهم مقرر می دارد: «متهم می تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید، اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می شود». راجع به حق متهم به داشتن وکیل، ماده 21-121 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، شخص می تواند تقاضای حضور وکیل کند. وکیل در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از سی دقیقه باشد می تواند ملاحظات کتبی خود را جهت درج در پرونده اعلام کند». در خصوص ابهامی که در ماده 21-121 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری وجود دارد و ممکن است تهدیدی علیه حقوق شهروندی متهمان باشد، لازم به ذکر است که در ماده مذکور قید این نکته که (...مدت زمان ملاقات وکیل با متهم نباید بیش از سی دقیقه باشد...) و مجوزی بیش از آن مدت را به ضابطین نداده است در عمل نوعی محدودیت و نقض حقوق متهمان از کانال ماموریت های پلیس خواهد بود و بهتر است که در برخی از موارد بنا به شرایط (بیماری، ناشنوایی، وجود مترجم ...) که ممکن است ملاقات اولیه با وکیل بیش از سی دقیقه طول بکشد به همان میزان که ترجمه یا تفهیم مطالب ... زمان بر است بر این مدت زمان افزوده گردد. همچنین ماده 23-125 لایحه مذکور بیان می دارد: «متهم می تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شده باشد این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ می شود وکیل متهم

می تواند پرونده را مطالعه و مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت جلسه نوشته می شود». اهمیت حق متهم به داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، تا جایی است که برابر تبصره ماده مذکور «سلب حق تعیین وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بطلان تحقیقات می شود».

حقوق انگلیس برای حق داشتن وکیل اهمیت زیادی قائل است «ماده 58 قانون پلیس و ادله کیفری مصوب 1984 انگلستان، حق مظنون را در استفاده از معاضدت وکیل مدافع، از همان لحظه که تحت نظر پلیس قرار می گیرد پذیرفت؛ وکیل متهم می تواند به گونه ای خصوصی با موکل خود مذاکره و حتی در بازجویی های پلیس شرکت کند. ماده 59 قانون پلیس و ادله کیفری سرویس وکلای مدافع مجانی را پیش بینی کرده است در برخی از تصمیمات متخذه از سوی دادگاهها استفاده مظنون از وکیل مدافع به عنوان «حقی اساسی برای شهروند» که قادر است از اقرار غیر مقرون به حقیقت جلوگیری کند یاد شده است» (آشوری، 1380: 127).

«دستورالعمل های اجرایی مربوط به بازداشت و بازجویی نیز مأمورین را موظف می کند در بدو ورود دستگیر شدگان به کلانتری حقوقشان را به صورت کتبی یا شفاهی به آنها گوشزد کنند» (سلیمانی، 1374: 118). با توجه به مطالب فوق در خصوص حق داشتن وکیل که یکی از مصادیق حقوق شهروندی متهمان در مرحله تحقیقات مقدماتی است می توان استنباط نمود که، حق داشتن وکیل برای متهم در تحقیقات مقدماتی، جنبه نظارتی داشته و نه دخالتی. هرچند این حق، در قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، نیامده است لکن، با توجه به ماده 128 ق.آ.د.ع.ا.ک و ق.ا.، رعایت این حق از سوی پلیس در هنگام تحقیقات مقدماتی، تکلیف می باشد.

ج- ممنوعیت شکنجه و رفتارهای اهانت آمیز:

منع شکنجه و رعایت آن از سوی پلیس و مرجع قضایی و همچنین انجام رفتارهای صحیح از سوی آنها، در حقوق ایران و اسناد بین المللی مورد تایید قرار گرفته شده است که به صورت تفصیلی آنها را بیان می نمایم.

ماده 7 میثاق مدنی و سیاسی اشعار می دارد: «هیچ کس را نمی توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسان یا ترذیلی قرار داد». که این مقوله در ماده 5 اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اشاره شده است.

اما برابر کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازاتهای بی رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی مصوب 1948، مفهوم کلمه شکنجه، یعنی ایراد عمدی هرگونه درد و رنج شدید بدنی یا روحی به یک شخص از جانب مأمور رسمی دولت و یا کسی که در سمتی رسمی عمل می کند و یا به تحریک و یا اجازه و یا سکوت او به منظور اخذ اطلاعات و یا اقرار از شخص و یا شخص ثالث، مجازات وی از بابت عملی که وی یا شخص ثالث مرتکب شده و یا مظنون به ارتکاب آن است ارباب و یا اجبار او و یا شخص ثالث و یا هر دلیلی که مبتنی بر هرگونه تبعیض باشد. لیکن در حقوق ایران، اصل 38 ق.ا مقرر می دارد: «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است...».

به علاوه برابر اصل سی و نهم قانون مذکور «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات است».

با وجود این که منع شکنجه و انجام رفتارهای ناصواب در اصول یاد شده آمده است، لیکن، قانونگذار، به دلیل اهمیت بالای موضوع، به آنها اکتفا نکرده و در

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، نیز به این مقوله اشاره کرده است. برابر بند (9) قانون مذکور «هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت».

همچنین بند(6) این قانون بیان می‌دارد: «در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف آنان اجتناب گردد».

در این زمینه، بند (7) قانون مزبور اعلام می‌دارد: «بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف متعارف خودداری ورزند».

نکته پایانی این که ضمانت اجرای این عنوان در قانون مجازات اسلامی ذکر شده است. برابر ماده 578 این قانون «هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت».

ج- حفظ حریم خصوصی و شخصی متهم:

یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اساسی در جامعه «امنیت شهروندان» است تا شهروندان بتوانند در پرتو آن، مسیر رشد و کمال خود را طی کنند و همچنانکه امنیت جامعه مهم و اساسی است، «حریم خصوصی» شهروندان را که زیر مجموعه حقوق

شهروندی است را می توان به چهار دسته به شرح زیر تقسیم کرد (فرهینگی فراهانی، 1388: 26).

الف) حریم خصوصی جسمانی؛

ب) حریم خصوصی منازل و اماکن؛

ج) حریم خصوصی اطلاعاتی؛

د) حریم خصوصی ارتباطی.

برابر اصل 25 ق.ا. «بازرسی و نرسانیدن نامه ها و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، عدم مخابره، نرسانیدن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

به علاوه بند(8) ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، بیان می دارد: «ازرسی و معاینات محلی، جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم بر اساس مقررات قانونی وبدون مزاحمت و درکمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسنادو مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه ها و نوشته ها و عکس های فامیلی و خانوادگی و ضبط بی مورد آنها خودداری گردد».

همچنین بند (11) قانون مذکور ابراز می دارد: «از کنجکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر موثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد».

لذا «هیچ کس حق ندارد به خانه، مغازه، محل کارشخصی کسی بدون اجازه صاحب آنها وارد شود... و یا به تلفن و نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف مرکز گناه هر چند بزرگ باشد شنود

بگذارد و یا به دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان نیز نماید و با اسراری که از غیر به او رسیده، او برای یک نفر فاش کند» (عبداله پور، 1380: 60-59).

باتوجه به مواد قانونی پیش گفته، ذکر چند نکته در اینجا لازم به نظر می‌رسد:

الف- دربند (8) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، قانونگذار از کلمات «احتیاط و بدون مزاحمت»، استفاده نموده است؛ به نظر می‌رسد منظور قانونگذار در اینجا این است که تا مأموران، اطمینان از حضور متهم در منزل حاصل پیدا نکرده‌اند، وارد منزل نشوند، در هنگام ورود، حکم قضایی ورود به منزل را به همراه کارت شناسایی به ساکنین منزل ارائه دهند، از سرو صدای بی‌مورد خودداری نمایند، متناسب با شأن و شخصیت متهم و ساکنین، رفتار متعارف صورت پذیرد و...

ب- مأمورین می‌بایست از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که هیچ‌گونه ارتباطی به جرم متهم ندارند و یا به متهم تعلق ندارد خودداری نمایند. این نکته در دو حالت قابل تصور است: اول این که، چنانچه، مأموران به منظور دستگیری متهم آمده‌اند و مأموریت آنان فقط برای دستگیری است و در حکم مأموریت آنان، اشاره‌ای به بازرسی برای دستیابی به کشف آلات و ادوات جرم نشده است یقیناً مأمورین، حق تعدی به هیچ مدرک، سند یا شیئی را نخواهند داشت؛ دوم این که، اگر در کنار دستگیری متهم، مأموریت مأموران برای تفتیش و بازرسی و کشف آلات و ادوات جرم است، باید بگوییم، آنچه که به متهم تعلق ندارد اعم از سند، شیء، مدرک یا این که به جرم انتسابی ارتباطی ندارد از تعرض و تجاوز مصون می‌باشد.

ج- مأموران می‌بایست از افشای مضمون نامه‌ها، نوشته‌ها، عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آنها خودداری نمایند یعنی این که، اگر مأموران منزل متهم را بررسی می‌نمایند؛ چنانچه در هنگام بازرسی، به فیلم، عکس و مواردی

از این قبیل برخورد نمودند حق ضبط آن را ندارند زیرا که حفظ حقوق شهروندی متهم، در این قسمت، با اهمیت تر از ضبط آنهاست.

به منظور رعایت حقوق شهروندی متهم از جانب پلیس لازم است این نکته نهادینه گردد که، متهم تا زمانی که اتهامش در دادگاه صالح ثابت نشده است، بر مبنای اصل برائت بایستی نسبت به حقوق او با احتیاط رفتار شود، که در صورت تیره در جریان یک دادرسی عادلانه در دادگاه قضایی به آبرو و اعتبار و شخصیت و کرامت انسانی او در این مرحله لطمه وارد نشود. ضمناً فردی که به جهت ارتکاب جرمی از چارچوب قانون فرارفته و به حقوق دیگران تجاوز کرده است، هیچ کس بهتر از مقنن نمی تواند برای او مجازات متناسب تعیین کند، لذا می بایست بر مبنای مواد قانونی مجازات شود و امتیاز و منافی را که در راستای تعرض اش به حقوق دیگران و جامعه کسب نموده است، باز پس دهد.

در این خصوص بر اساس نظریه بازی منصفانه «مجرمی که منافع ناعادلانه ای از حقوق شهروندان جامعه خود به دست آورده است، حق شهروندان مطیع قانون را سلب نموده است، بنابراین کسانی که از راه تجاوز به حقوق دیگران، دستاوردهای نامنصفانه ای داشته اند باید با محرومیت از حقوق خود، امتیازاتشان سلب گردد. نظریه فوق بر این امر تاکید دارد که، مجرمی که به حقوق دیگران تجاوز کرده است باید به نسبت از حقوق خود محروم شود، وی که امتیاز غیرمنصفانه ای به دست آورده است باید به همان مقدار متحمل ضرر شود (کاتینگهام، 1376: 169). در فرایند دادرسی کیفری بایستی میان حقوق بزه دیده، بزهکار و جامعه در فرآیند دادرسی کیفری تعادل وجود داشته باشد و نمی توان به طور کلی یکی از حقوق را بر دیگری برتری داد. بنابراین در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، در راستای حفظ نظم و امنیت جامعه، سلب آزادی متهم (در چارچوب قانون) و یا دستبند و

پابند زدن به اودر واقع مصداق بارز رعایت حقوق شهروندی بزه‌دیده از جرم (شخص بزه دیده و جامعه) است. بنابراین در بسیاری از موارد حفظ نظم و امنیت و حقوق بزه دیدگان ایجاب می‌نماید که آزادی متهم (با حکم و در چارچوب قانون) محدود گردد. و این گونه موارد تناقضی با حقوق شهروندی ندارد بنابراین حفظ نظم و امنیت و حقوق شهروندی بزه دیدگان از جرم ایجاب می‌نماید که از برخی از حقوق متهم (وفق قانون) صرف نظر گردد (هاشمی، 1387: 127).

ح-احضار، جلب متهم و حفظ حقوق شهروندی او:

الف- احضار متهم:

ماده 124 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378)، مقرر می‌دارد: «قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر این که دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد».

مفهوم این ماده این است که، قبل از احضار و یا جلب اشخاص، باید تحقیقات مقدماتی صورت گرفته باشد، دلایل مستدل و قابل اتکایی جمع آوری شده باشد و سپس در صورت توجه حداقل از اتهام، احضار شخص انجام شود.

با نگرش در مفهوم ماده مشخص می‌شود که، پلیس در این زمینه، نباید رأساً کسی را احضار یا جلب کند زیرا انجام این امر مغایر با حقوق شهروندی است. پلیس می‌بایست فقط با دستور قضایی و در قالب موازین قانونی، متهم را حسب مورد احضار و یا جلب کند. در این خصوص، ماده 1-125، لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، با تغییراتی مقرر می‌دارد: «بازپرس نباید کسی را احضار و یا جلب کند، مگر این که دلیل کافی برای توجه اتهام به وی موجود باشد». تبصره ماده مذکور اشعار می‌دارد: «اقدام بازپرس به احضار متهم، پس از دریافت شکایت شاکی

یا اطلاع از وقوع جرم و بدون بررسی ادله، بجز مواردی که قانون مقرر کرده است، تخلف انتظامی محسوب می‌شود و موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است. مطابق ماده 112 قانون یاد شده، احضار متهم به وسیله احضارنامه به عمل می‌آید؛ احضارنامه در دو نسخه فرستاده می‌شود و یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضاء کرده به مأمور احضار رد می‌کند. ماده 2-125 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، با اندک تغییراتی مقرر می‌دارد: «احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می‌آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه را از آن متهم تحویل می‌گیرد و نسخه دیگر را پس از امضا به مأمور ابلاغ رد می‌کند». در خصوص مفاد احضارنامه، ماده 113 قانون مذکور بیان می‌دارد: «در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود». برابر تبصره این ماده در جرائمی که مصلحت اقتضاء نماید علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد. راجع به مفاد احضاریه، ماده 3-125 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، مقرر می‌دارد: «در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شده، تاریخ، ساعت و علت احضار، محل حضور و نتیجه عدم حضور قید شده، به امضای بازپرس می‌رسد». تبصره ماده مذکور بیان می‌دارد: «در جرائمی که به تشخیص بازپرس، حیثیت متهم اقتضا کند علت احضار ذکر نمی‌شود، اما متهم می‌تواند جهت اطلاع از علت احضار به دفتر بازپرس مراجعه کند».

ب- جلب متهم:

«هرگاه متهم با وصف ابلاغ احضارنامه و استحضار از موضوع اتهامی در دادگاه حضور نیابد و عدم حضور خود را مستند به یکی از معاذیر قانونی اعلام نماید یا مرتکب یکی از جرایم موضوع ماده 118 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و

انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378) شود طبق مواد 112 و 117 همان قانون حکم جلب وی صادر و در اختیار ضابطین دادگستری قرار می گیرد تا مأمور جلب پس از ابلاغ برگ جلب، متهم را دعوت نموده تا در معیت وی نزد قاضی حضور یابد» (قاسم پور، 1381: 134).

جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می آید برگ جلب که مضمونش، مضمون احضاریه است باید به متهم ابلاغ شود. در این ارتباط، ماده 14-125 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، مقرر می دارد: «جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می آید. مضمون برگ جلب همان مضمون احضاریه است که باید توسط بازپرس امضا و به متهم ابلاغ شود».

بنابراین برای جلب متهم وجود شرایط زیر ضروری است:

«الف- متهم احضار شده باشد؛ ب- احضارنامه به متهم ابلاغ شده باشد؛ ج- ابلاغ احضار نامه صحیحاً صورت گرفته باشد؛ د- متهم حاضر نشده باشد؛ ه- متهم برای عدم حضور خود عذر موجهی اعلام ننموده باشد» (آخوندی، 1382: 98).

مأمور جلب می بایست در کمال احترام و ادب و با آگاهی از شرایط مورد اشاره، متهم را جهت حضور نزد مرجع قضایی، دعوت نماید. در واقع حفظ حقوق شهروندی، ایجاب می نماید که، در هنگام جلب، با احترام با متهم، برخورد شود، مگر این که، از دستور مأمور سرپیچی نماید. آنجاست که، مأمور به ناچار او را تحت الحفظ، نزد مقام قضایی حاضر می نماید. در خصوص زمان جلب، ماده 16-125 لایحه آیین دادرسی کیفری، مقرر می دارد: «جلب متهم به استثنای موارد ضروری باید در روز بین ساعت هفت صبح تا چهار بعدازظهر به عمل آید و در همان روز به وسیله بازپرس و یا قاضی کشیک تعیین تکلیف شود».

یکی از مواردی که قانون به پلیس اجازه داده است، این است که، در صورت غایب بودن متهم، با در دست داشتن برگ جلب، در موقعیت مناسب، متهم را جلب نماید. لذا این موضوع از حساسیت خاصی برخوردار است زیرا مأمورین باید کاملاً مواظب باشند که، اعطای این حق، موجب تجاوز و تعدی به حقوق شهروندی متهمان نگردد. ماده 17-125 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، مقرر می‌دارد: «در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگ جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطین دادگستری قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند». تبصره دو ماده فوق، بیان می‌دارد: «در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند برگ جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوطه، متهم را جلب و معرفی کنند».

در خصوص مدت زمانی که مأمورین می‌توانند تا زمان حضور متهم نزد مرجع قضایی، وی را در اختیار خود نگه دارند، ماده 123 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378)، مقرر می‌دارد: «متهم از هنگام ابلاغ برگ جلب تا حضور نزد قاضی تحت نظر و محافظت خواهد بود و برابر تبصره این ماده مأموران مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله تحویل مقام قضایی دهند و در صورتی می‌توانند وی را بازداشت نمایند که بیم تبانی و خوف فرار و امحاء آثار جرم باشد و در هر صورت حق نگهداری وی بیش از (24) ساعت بدون اجازه مقام قضایی را ندارند».

خ- معاینه محل، تحقیقات محلی و حفظ حقوق شهروندی متهم:

پلیس در معاینه محلی و تحقیقات محلی، دارای جایگاه ویژه‌ای است. از جمله مصادیق حقوق شهروندی متهم در مرحله معاینه و تحقیقات محلی می‌توان گفت: در زمان معاینه محلی لازم است که پلیس صرفاً در خصوص موضوع اتهام به

بررسی و تفتیش منازل به اشیا... پردازد یا اینکه اجازه ورود یا دخالت به افرادی که در امر جزایی شرکت ندارند، نداده و از ورود آنها ممانعت به عمل آورده که ماده 78 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378)، در این خصوص مقرر می‌دارد: «معاینه محل توسط قاضی دادگاه یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری و یا اهل خبره مورد وثوق قاضی انجام می‌شود. هنگام معاینه محل اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می‌توانند حاضر شوند لکن عدم حضور آنان مانع انجام معاینه نخواهد بود». برابر ماده 3-124 لایحه جدید آیین دادرسی کیفری «معاینه محل توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می‌شود هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند باید حاضر شوند، اما عدم حضور آن‌ها به علت عدم تمایل، مانع از انجام معاینه نیست».

در این خصوص ذکر دو نکته لازم است:

اول این که، اگر چه قانونگذار در ابتدای ماده، معاینه محل و تحقیقات محلی را جزو وظایف قضات دانسته لکن، این اختیار را به ضابطان دادگستری داده است تا با اخذ دستور از مقام قضایی، به انجام وظیفه مذکور پردازند.

دوم آن که، برابر قسمت اخیر ماده فوق، یکی از اشخاصی که می‌تواند در معاینه محل و تحقیقات محل، حضور داشته باشد، متهم است بنابراین بایستی، با احتیاط و با رعایت ضوابط قانونی، حقوق شهروندی او، توسط پلیس حفظ و رعایت شود.

یکی از حقوقی که، قانونگذار به آن اشاره نموده، این است که، برابر ماده 79 این قانون، معاینه محل، در روز به عمل می‌آید مگر در مواردی که فوریت دارد.

«برخی از حقوقدانان از جمله دکتر آخوندی دلایلی را برای توجیه این امر ذکر کرده‌اند، که عبارت است از :

1. در روز مشاهده دقیق صحنه جرم و جمع آوری دلایل آن آسان تر صورت گرفته و امکان حضور اصحاب دعوی و افراد ذی نفع در محل انجام معاینه بیشتر و فضای روشن و طبیعت روز به گونه ای است که تمرکز بیشتری در مجری معاینه محل به وجود می آورد.

2. تشخیص فوریت معاینه محل به عهده مقام قضایی است و بهتر است که اگر مقام قضایی اجرای آن را از ضابطان دادگستری درخواست می کنند فوریت یا عدم فوریت آن را نیز تصریح نماید (قاسم پور، 1381: 182). لایحه جدید آیین دادرسی کیفری، با جایگزین نمودن کلمه «ضرورت» به جای کلمه «فوریت»، در ماده 79 قانون فوق الذکر، مقرر می دارد: «معاینه محل و تحقیق محلی جز در مواردی که ضرورت دارد باید در روز انجام شود. مراتب ضرورت در دستور بازپرس قید می شود».

در خصوص دو واژه «فوریت» و «ضرورت» لازم به ذکر است که: واژه «فوریت» جنبه زمانی دارد یعنی اینکه بایستی مورد در کوتاه ترین زمان ممکن انجام شود، در حالیکه «ضرورت» جنبه موضوعی دارد و بستگی به محتوای مورد دارد و از طرفی رابطه عموم خصوص مطلق در بین این دو واژه وجود دارد که، هر موضوعی که فوریت دارد ضرورت نیز خواهد داشت ولی ممکن است که مطلبی ضرورت داشته باشد اما، فوریت نداشته باشد. به عنوان مثال تفهیم اتهام به متهم ضمن اینکه فوریت دارد، به واسطه اینکه از حقوق شهروندی متهم است بنابراین ضرورت نیز دارد اما در مورد اطلاع به خانواده وی ضرورت دارد اما فوریت به این معنا که بلافاصله در لحظه دستگیری (در خیابان...) اطلاع رسانی به خانواده وی فوریت ندارد.

د- ممنوعیت اخذ تأمین کیفری از متهم توسط ضابطان دادگستری:

از دیگر حقوق شهروندی متهمان، ممنوعیت اخذ تأمین کیفری از آنان، توسط ضابطان دادگستری است، علت این موضوع این است که، تشخیص اخذ تأمین کیفری، از موضوعات بسیار حساس و مهم و در حوزه تخصصی سیستم قضایی است نه ضابط. زیرا وظیفه قاضی است که، می‌بایست متناسب با وضعیت متهم و اتهام انتسابی قرارهای مناسب تأمین کیفری در ماده 132 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378) را صادر نماید.

برابر قسمت اخیر ماده 19 قانون مذکور، ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند. «مرجع انتظامی حق ندارد آزاد نمودن متهم را موکول به سپردن ضامن معتبر یا سند مالکیت یا گواهینامه یا شناسنامه نماید زیرا وقتی متهم در اختیار ضابط قرار می‌گیرد تعیین تکلیف آزادی یا عدم آزادی او از صلاحیت‌های مقام قضایی است» (زراعت-مهاجری، 1382: 117).

اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که: آیا نیروهای انتظامی می‌توانند بدون دستور و یا با دستور مقام قضایی از متهم تأمین اخذ نمایند یا خیر؟ طی نظریه شماره 7/2875 مورخه 1377/4/28 مرقوم داشته است: «صدور قرار تأمین منحصراً در صلاحیت مرجع قضایی صالح آن هم در صورت وجود دلایل کافی بر اثبات وقوع بزه و توجه اتهام متهم می‌باشد بنابراین صدور قرار تأمین از طرف مرجع انتظامی به نحوی که در استعلام آمده است بر خلاف موازین قانونی است». (قاسم پور، 1381: 232)

در خصوص صدور دستورهای غیرقانونی مقام قضایی، نسبت به اخذ تأمین کیفری توسط ضابطان دادگستری، ریاست قوه قضائیه به موجب بخشنامه شماره 1/79/14170 مورخه 1379/9/9 به‌عنوان قضات واحدهای قضایی سراسر کشور

تصریح نموده است: « بنابر اعلام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، ملاحظه شده است مقامات قضایی ضمن صدور دستورات قضایی خود به پاسگاه‌ها و کلانتری‌ها، برخلاف مقررات، از مراجع مذکور، خواسته اند نسبت به اخذ تأمین از متهمین اقدام و آنان را فعلاً آزاد نمایند. ضابطان دادگستری در جریان تحقیقات مقدماتی جز درجرائم مشهود که برابر ماده 24 قانون مرقوم برای تکمیل تحقیقات ضروری و حداکثر تا مدت 24 ساعت تحت نظر نگه داشتن متهم تجویز شده است به صراحت بخش آخر ماده 19 قانون مزبور، حق اخذ تأمین از متهم را ندارند بنابراین صدور دستور «متهم با قید ضامن معتبر، آزاد شود» به مراجع انتظامی سپردن اختیار اخذ تأمین کیفری به مقامات غیرقضایی و فاقد اختیار در این زمینه می‌باشد که تخلف از قانون و موجب مسئولیت خواهد بود» امضاء- سید محمود هاشمی شاهرودی- رئیس قوه قضائیه 1379/9/8». (همان : 233) به علاوه ماده 14-121 لایحه آیین دادرسی کیفری، مقرر می‌دارد « ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آن‌ها ارجاع کنند».

ذ- رعایت موازین اسلامی و اخلاقی متهم:

پلیس به منظور حمایت و تضمین حقوق شهروندی متهم، باید موازین اسلامی و اخلاقی او را رعایت نماید. رعایت موازین اسلامی و اخلاقی متهم، علاوه بر ریشه فقهی، در قوانین داخلی نیز، مورد تاکید قرار گرفته است. قرآن مجید در آیه 70 سوره اسراء، می‌فرماید: «و لقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و...» معنا و مفهوم این آیه دلالت بر احترام به کرامت انسانی و حفظ آن دارد.

بند (3) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مقرر می‌دارد: «با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از

وقایع و کلاً در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً رعایت گردد». به علاوه برابر قسمت اخیر ماده 130 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378)، «..... رعایت موازین شرعی در مورد متهمان زن ضروری می‌باشد».

از جمله مواردی که، پلیس در زمینه رعایت موازین اسلامی و اخلاقی متهم باید به آن توجه داشته باشد می‌توان به ایجاد شرایط لازم جهت اقامه نماز و عبادات در بازداشتگاهها، تهیه نمون غذا، آب و سایر مایحتاج جهت رفع تشنگی، گرسنگی و، برخورداری از مکان مناسب جهت تحت نظر داشتن متهمان از لحاظ نورکافی، فضای مناسب و اشاره نمود.

ر-انجام پرسش‌های مفید و روشن از متهم و درج آنها بدون تغییر:

«بازجو باید هنگام طرح سوالات از برخی قواعد اساسی که در این زمینه موجود می‌باشد، پیروی نماید. مأمور تحقیق باید از طرح سوالات کلی و جامع پرهیز نماید. سوالات باید کوتاه، صریح و منحصر و محدود به یک مبحث بوده و به آسانی قابل درک و فهم باشند و فقط از کلماتی که مضمون قادر به فهمیدن آنها می‌باشد، باید بهره گرفت بنابراین نباید اصطلاحاتی مانند: سرقت ساده، قتل عمدی و.. استفاده نمود. همچنین از پرسیدن سوالات اتهامی یا تهمت آمیز باید اجتناب کرد و از طرح سوالات راهنما و (تلقینی) و سوالاتی که با طرح آنها حرفی را در دهان مضمون بگذارند مثل (شما که قصد ندارید به ما بگویید چکاندن ماشه را تکذیب می‌کنید.» خودداری نمود مگر این که طرح آن برای آسان نمودن روند بازجویی ضروری باشد» (سوانسون، چاملین، تری تو، 1381 : 328).

برابر قسمت پایانی ماده 129 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378) «سوالات باید مفید و روشن باشد سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است». «منظور از مفید بودن سوال این است که سوال به کشف جرم و احراز واقعیت کمک کند سوالی که نتواند قاضی را به کشف جرم هدایت کند مفید به شمار نمی‌آید» (آخوندی، 1382: 122). از طرفی پرسش‌ها باید صریح و روشن بوده تا متهم متوجه منظور بازجو گردد و بازجو از به‌کارگیری سوالات مبهم، بی‌معنا و غیرمتعارف دوری گزیند.

علاوه بر طرح سوالات و پرسش‌های مفید و روشن از سوی بازجو، درج و ثبت پاسخ‌ها نیز باید بدون تبدیل، تحریف و تغییر باشد تا اظهارات و گفته‌های متهم جهت حمایت از حقوق او کمک نماید ماده 131 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378) مقرر می‌دارد: «پاسخ سوالات همان‌طوری که بیان می‌شود باید بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. متهمان با سواد می‌توانند شخصاً پاسخ سوالات را بنویسند».

به‌علاوه بند (12) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی اشعار می‌دارد: «پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد با سواد در صورت تمایل، خودشان مطالب را بنویسند تا شبهه تحریف یا القاء ایجاد نگردد».

ز-به‌کارگیری اصول و شیوه‌های علمی قانونی در تحقیقات و بازجویی‌ها:

اگر در گذشته مأموران تحقیق و بازجویی، از طریق تن‌پیمایی، داغ کردن و ... برای کشف جرایم استفاده می‌نمودند، امروزه کشف علمی جرایم به وسیله وسایل نوین، سبب آن شده است که، مأموران کشف جرایم، با دقت بالا و سرعت به حفظ آثار و

دلایل و اقدامات، ضبط و ثبت مجرمان پرداخته و نهایتاً کیفیت بالای تحقیقات و بازجویی‌های مقدماتی را باعث گردند.

علاوه بر توجه قانونگذار، در بند (1) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، به خودداری از اعمال سلیقه‌های شخصی در انجام تحقیقات، بند (10) این قانون نیز مقرر می‌دارد: « تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند بر اساس قانون برخورد جدی صورت گیرد».

بنابراین به‌کارگیری اصول علمی مثل تشخیص هویت ژنتیکی، اسلحه‌شناسی، انگشت‌نگاری، ثبت کامپیوتری مشخصات متهمان و تشکیل پرونده برای هرکدام از آنها به منظور شناسایی متهمان از چنان تحول و پیشرفتی برخوردارند که ضریب اطمینان بالایی را در راستای کشف سریع و دقیق جرم ایجاد نموده بدون این که حقوق شهروندی متهم، مورد تعدی و تعرض قرار گیرد.

س- ممنوعیت تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیر

مشهود:

یکی از حقوقی که متهم در جرایم غیرمشهود از آن برخوردار بوده و پلیس نمی‌تواند متعرض آن شود، این است که منزل، امکنه و اشیاء، او از تعدی و تجاوز مصون است و همچنین در این جرایم پلیس نمی‌تواند بدون دستور مقام قضایی متهمین اقدام به جلب نماید.

این موضوع در حقوق ایران جنبه قانونی داشته و قسمت اخیر ماده 24 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (مصوب 1378) مقرر می‌دارد: «همچنین تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم

غیرمشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هر چند اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد». در این خصوص تبصره ماده 28-121 لایحه آیین دادرسی کیفری، مقرر می‌دارد: «بازرسی بدنی اشخاص و نیز اشیا از قبیل خودرو و وسایل موجود در آن، چنانچه به تشخیص شورای عالی امنیت ملی کشور در محل یا منطقه ای مشخص و برای مدت معینی ضروری و برابر ضوابط مصوب آن شورا باشد نیازی به صدور مجوز موردی ندارد». همچنین ماده 29-121 این لایحه، بیان می‌دارد: «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادر شده عمل کرده، از بازرسی اشیا و مکان‌های غیر مرتبط خودداری کنند».

با مشاهده در متن ماده، ملاحظه می‌شود در صورتی که، انجام تحقیقات حتی اگر به صورت کامل و تمام به ضابط ارجاع شده باشد، در موارد مذکور، پلیس حق مداخله و تفتیش را ندارد و باید مقام قضائی در موارد خاص اشاره شده، اجازه داده باشد و این یکی از مواردی است که پلیس باید مد نظر داشته باشد چرا که عدم آگاهی و رعایت نکردن این موضوع، تعرض حقوق شهروندی متهم است.

ش- حق اطلاع خانواده متهم از دستگیری او:

احترام به حقوق دفاعی متهم ایجاب می‌کند که، خانواده وی در جریان دستگیری او قرار بگیرند تا بتوانند مقدمات دفاع و تسهیلات لازم (از قبیل وکیل و...) را برای او در نظر بگیرند لذا، با در جریان قرار دادن خانواده متهم، از دستگیری وی، دری به روی متهم باز می‌شود که، زمینه ساز احقاق حقوق دفاعی متهم می‌تواند باشد.

بند (5) ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اعلام می‌دارد: «اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت

مقررہ پروندہ بہ مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانوادہ دستگیرشدگان در جریان قرار بگیرند».

در این خصوص مادہ 22-121 لایحہ جدید آیین دادرسی کیفری، مقرر می‌دارد: «بہ محض اینکہ متہم در مرجع انتظامی تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، آدرس، و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، بہ ہر طریق ممکن، بہ دادرسی محل اعلام می‌شود. دادستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانہ، نظارت لازم را جهت رعایت حقوق این افراد اعمال و فہرست کامل آنہا را در پایان ہر روز بہ رئیس کل دادگستری استان اعلام می‌کند تا بہ همان نحو ثبت شود. والدین، ہمسر، فرزندان و خواہر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر قرار بودن آنہا اطلاع یابند پاسخگویی بہ بستگان در خصوص علت تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی کہ با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است». همچنین برابر مادہ 23-121 لایحہ مذکور، شخص تحت نظر می‌تواند بہ وسیلہ تلفن یا ہر وسیلہ ممکن، افراد خانوادہ یا آشنایان خود را از موضوع تحت نظر بودن آگاہ کند و ضابطان نیز مکلفند، مساعدت لازم را در این خصوص بہ عمل آورند، مگر آن کہ بنابر ضرورت تشخیص دهند کہ شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفادہ کند. در این صورت باید مراتب را جهت اخذ دستور مقتضی بہ اطلاع مقام قضایی برسانند».

نتیجہ گیری :

پلیس بہ عنوان ضابط دادگستری، در تحقیقات مقدماتی، بایستی اقداماتی را کہ برای حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار یا اختفای متہم ضروری است، انجام

دهد. آیین مطلوب این مرحله باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر تأمین منافع جامعه، شهروند بی‌گناه را در اثبات بی‌گناهی‌اش یاری کند. این مهم برآورده نمی‌شود، مگر این که حقوق شهروندی متهم در جریان دادرسی مراعات گردد. پلیس نه تنها حقوق شهروندی را ایجاد نمی‌کند، بلکه باید آن را رعایت نموده و از آن حمایت کند و حتی آنجا که خود این حقوق را نقض نموده است، جبران نماید. این حق متهم است که بداند در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی چه حقوقی دارد. پلیس با رفتار و گفتار خود باید به شهروندی که در معرض اتهام قرار گرفته اطمینان بدهد که حقوق او در تحقیقات مقدماتی پلیسی رعایت می‌شود و نقض آن دارای ضمانت اجرای کافی است و باید او را آگاه کنیم که اگر این حقوق مورد تعرض هر یک از عوامل و ضابطان دستگاه قضایی از جمله نیروهای پلیس قرار گرفت، برای جبران خسارات وارده و اعاده حیثیت خود چه کند و شکایت به کجا و نزد چه مقامی برود. تأکید بر حفظ حقوق شهروندان در عین حال ممانعت از صدمه به حقوق شهروندی متهمان و نیز حفظ حیثیت افراد شریف و پاکدامن و جلوگیری از صدور محکومیت‌های ناروا که از اهم اهداف در فرآیند دادرسی است، همه ارتباط دقیق با نظم جامعه داخلی و همچنین بین‌المللی دارد. بدیهی است در حفظ منافع جامعه نباید حقوق و منافع فرد، قربانی و نابود گردد؛ زیرا اگر عدالت اقتضاء می‌کند که بزهکار واقعی به مجازات محکوم شود، شرط اجرای عدالت هم این است که فردی که در مظان اتهام است، امکان دفاع از خود را داشته باشد.

در واقع، قوانین آیین دادرسی کیفری، وقتی از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است که بتواند بین دو حق، یعنی حق جامعه که از جرم متضرر شده از یک سو و حق انسانی که فعلاً به عنوان متهم شناخته شده است از سوی دیگر تعادل ایجاد نماید. به همین منظور، شکنجه و آزار و اعمال مجازات‌های غیرانسانی برای اخذ

اقرار، دستگیری و بازداشت خودسرانه اشخاص ممنوع است. اصول مختلفی از جمله اطلاع فوری از علل دستگیری و بازداشت، رسیدگی به اتهام در مدت زمان معقول، برخورداری از تضمین‌های دفاع، ضرورت حفظ شأن و شخصیت انسانی متهمان و لزوم جبران زیان‌های وارده بر بازداشت‌شدگان بی‌گناه نیز باید در این مرحله حساس از دادرسی رعایت گردد.

توجه جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی به مقوله حقوق بشر و تصویب اسناد بین‌المللی در این زمینه، موجب آن شده است که کشورها با تصویب قوانین داخلی، موضوع ارزش و کرامت انسانی و همچنین حقوق شهروندی افراد جامعه خود را بیش از پیش، مورد توجه قرار دهند. در کشور ما که کشوری اسلامی و قوانین داخلی ریشه در قرآن و فقه اسلامی دارند عنایت به حقوق شهروندان به مراتب بیشتر از سایر کشورها نمود دارد. در این راستا اصول زیادی از قانون اساسی، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 و اخیراً ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب 1383 و سایر قوانین موضوعه هر کدام به نوعی به حفظ حقوق شهروندی متهم، به عنوان یک شهروند جامعه، توجه داشته‌اند. لذا در این مقاله، وظایف قانونی پلیس نسبت به متهم در پرتو حقوق شهروندی، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مشخص شد که وظایف پلیس در مرحله قبل از صدور حکم (تحقیقات مقدماتی)، نسبت به متهم راجع به احقاق حقوق شهروندی وی، در قانون اساسی و سایر قوانین داخلی به طور مصرح، ذکر شده است و قانونگذار اهمیت زیادی برای ضابطان دادگستری در حوزه حفظ حقوق شهروندی متهم، قائل شده است. ذکر حقوق متهم از قبیل حق تفهیم اتهام، حق سکوت، منع بازداشت‌های اضافی و غیر ضروری، حق داشتن وکیل، رعایت اصول و روش‌های علمی در بازجویی‌ها، و...

در قوانین موضوعه و تاکید قانونگذار بر توجه ضابطان دادگستری و مراجع قضایی (که دو بال سیستم عدالت کیفری هستند) خود دلیلی است بر این ادعا که وظایف قانونی پلیس، نسبت به متهم، در پرتو حقوق شهروندی، مد نظر قرار گرفته شده است و پلیس باید با شناخت و مطالعه قوانین مربوطه، سطح آگاهی خود را در حفظ حقوق شهروندی متهم، ارتقاء دهد.

پیشنهادها:

در راستای نتایج به دست آمده از تحقیق، پیشنهادهای ذیل برای بهبود هر چه بیشتر وضعیت موجود، قابل ذکر است:

الف- ایجاد فرهنگ ترویج حقوق شهروندی: فرهنگ سازی و آگاهی دادن به متهمان نسبت به حقوق خودشان، از طریق رسانه های جمعی، از قبیل تلویزیون و ...، نصب بروشورهای حقوق شهروندی متهمان در مراجع انتظامی و دادگستری ها، موجب می شود تا متهمان از حقوق خود مطلع شده و سازمان ها نیز در حفظ آن کوشا باشند.

ب- ایجاد نهاد حقوق شهروندی در نیروی انتظامی: از آنجایی که، با تصویب قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب 1383، قوه قضاییه، اقدام به تشکیل نهاد حقوق شهروندی نموده است، بنابراین، شایسته است، نیروی انتظامی، به منظور تعامل بیشتر با نهاد مذکور، سازوکار تشکیل این نهاد را فراهم نماید تا با برگزاری دوره های آموزشی حقوق شهروندی و ... بر حفظ هر چه بیشتر حقوق شهروندی متهمان، اهتمام ورزد.

ج- تقویت سازمان های نظارتی در قوه قضاییه و نیروی انتظامی بر چگونگی انجام وظایف ضابطان دادگستری از قبیل آگاهی و کلانتری، می تواند تاثیر به سزایی را بر بهبود عملکرد آنان در حوزه حفظ حقوق شهروندی متهمان داشته باشد.

د- برگزاری همایش‌های حفظ حقوق شهروندی متهمان، در قوه قضائیه و نیروی انتظامی، تعامل بیشتر قضات و ضابطان دادگستری، از دیگر پیشنهادهایی است تا ضابطان دادگستری بتوانند سطح آشنایی خود را با مقوله حقوق شهروندی متهم ارتقاء داده و در انجام وظایف محوله، به آن توجه نمایند.

منابع

- قرآن مجید
- آخوندی، محمود(1382). آئین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد(1383). آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- -----(1380). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- -----(1381). نگاهی به متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری
- پلبو، روبر (1370). شهروندی و دولت، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران .
- پژوهنده، محمدحسین(1376). «مدنیت و شهروندی»، فصلنامه اندیشه حوزه، سال سوم، شماره های 2 و 3.
- زراعت، عباس و علی مهاجری(1382). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: انتشارات فکر سازان.

- سلیمانی، قادر (1374). «نقش پلیس در فرایند کیفری انگلستان و ولز»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد مرکز)، مرکز تحصیلات تکمیلی حقوق.

- سوانسون، چارلز؛ چاملین، نیل سی وتری تو، لئونارد (1381)؛ تحقیقات جنایی، ترجمه مهدی نجابتی، رضا پرویزی و اصغر شفیعی نیک، چاپ دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی.

- عبدالله پور، ابراهیم (1380). «مطالعه تطبیقی حق دفاع متهم در حقوق ایران و موازین حقوق بشر»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد مرکز)، مرکز تحصیلات تکمیلی حقوق.

- فرمهبینی فراهانی، سید جواد (1388). بررسی الزامات پلیس نسبت به حقوق و آزادی های شهروندی، تهران: انتشارات بازرسی کل ناجا.

- قاسم پور، ابوالقاسم (1381). ضابطین قوه قضاییه و وظایف قانونی آنها در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 و قوانین متفرقه، تهران: انتشارات افق امید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب 1383.

- قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 و اصلاحی 1381.

- قانون مسؤلیت مدنی

- کاتینگهام، جان (1376) «فلسفه مجازات»، ترجمه محمد رضل ظفری، فصلنامه نقد و نظم، شماره 4، پاییز.
- گلدوزیان، ایرج (1385). بایسته‌های حقوق جزای عمومی (3-2-1)، چاپ سیزدهم، تهران: نشر میزان.
- لایحه آیین دادرسی کیفری (1387)، در حال بررسی در کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی.
- مشهدی حسن، مهدی (1382). «بررسی حقوق متهمین و مجرمین در فقه اسلامی و قوانین موضوعه»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی تهران (واحد مرکز)، دانشکده الهیات.
- موذن زادگان، حسنعلی (1385). «تضمین حقوق متهم»، روزنامه شرق، دوشنبه مورخه 1385/3/8.
- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب (16 دسامبر 1966 سازمان ملل متحد).
- هاشمی، حمید (1387). «نقش پلیس در رعایت حقوق شهروندی متهمان در فرآیند دادرسی کیفری»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک.

